

حیوان پرستی

۱۹:۱۶ ساعت ۱۳۹۳ بهمن ۳

تقریباً می‌توان گفت که هر حیوانی، از سوسک مصری گرفته تا فیل هندی، در یک گوشه زمین، روزی به عنوان خدا مورد پرستش بوده استهندیان او جیبوا حیوان خاص مورد پرستش خود را توتم می‌نامیده و قبیله خود و هر یک از افراد آن را نیز چنین نام می‌داده‌اند؛ علمای مردمشناسی این اسم را مأخذ قرار داده، پرستش اشیا را، به طور کلی، توتمپرستی نامیده‌اند؛ بهمراه چنین می‌پنداشتند که به وسیله توتم با یکدیگر ارتباط دارند یا همه از آن به وجود آمده‌اند.

تقریباً می‌توان گفت که هر حیوانی، از سوسک مصری گرفته تا فیل هندی، در یک گوشه زمین، روزی به عنوان خدا مورد پرستش بوده استهندیان او جیبوا حیوان خاص مورد پرستش خود را توتم می‌نامیده و قبیله خود و هر یک از افراد آن را نیز چنین نام می‌داده‌اند؛ علمای مردمشناسی این اسم را مأخذ قرار داده، پرستش اشیا را، به طور کلی، توتمپرستی نامیده‌اند؛ بهمراه چنین می‌پنداشتند که به وسیله توتم با یکدیگر ارتباط دارند یا همه از آن به وجود آمده‌اند. افراد قبایل ایرکوئی، که در واقع بدون آنکه خود بدانند معتقد به عقاید داروین هستند، چنین تصور می‌کنند که از زناشویی زنان با خرس، گرگ و آهو به وجود آمده‌اند. توتم، که عنوان شعار و رمزی داشته، علامت مفیدی برای خوشاوندی ملتها اولیه بوده، و پس از آن، رفته رفته، از جنبه دینی خود خارج شده، عنوان علامت خوبخیتی یا نظر قربانی پیدا کرده؛ یا، همچون شیر و عقاب، وارد علامت پرچم‌های پاره‌ای از دول گشته؛ یا مانند گوزن علامت جمعیت‌های برادری شده؛ و یا به صورت حیواناتی بی‌زیان نماینده استواری فیل‌مابانه یا جنبش لجوچانه بعضی از احزاب سیاسی شده استاینکه، در ابتدای ظهور دین مسیح، کبوتر، ماهی و بره حالت رمزی برای این دین داشته، خود، آثاری از توتمپرستی قدیمی بوده است، حتی حیوان بیقدر و منزلتی چون خوک زمانی توتم یهودیان به شمار می‌رفته است. مردم قبیله گالا، در حبشه، در ضمن تشریفات دینی خاص، ماهی مخصوصی را که می‌پرستند می‌خورند و می‌گویند: «هنگامی که آن را می‌خوریم، احساس می‌کنیم که روح در ما وارد می‌شود و نفوذ می‌کند.» مبلغان مسیحی، که اولین مرتبه برای تبلیغ در نزد این قبایل می‌رفتند، متعجب شدند که چگونه در میان این مردم آدابی شبیه به قداس مسیحیان وجود دارد. جالب است بدانیم که در بین اقوام اولیه، برای نامیدن آسمان و الوهیت کلمه واحدی به کار می‌رفته است. خود آسمان خدای بزرگی بود که با کمال تصرع به عبادت آن می‌پرداختند، زیرا آن را سبب نزول باران یا بند آمدن آن می‌دانستند. لفظ «خدا»، در نزد طوایف لوباری و دینکا، معنی «باران» نیز می‌دهد؛ مغلان خدای بزرگ را تنگری می‌نامیدند، که به معنی آسمان هم بود؛ در چین نیز کلمه تی همین حال را داشته است. در هندوستان و دایی خدا را به نام دیئوس پیtar می‌نامیدند، که معنی «بابا آسمان» می‌دهد؛ نزد یونانیان، نام خدا زئوس به معنی آسمان و «گردآورنده ابرها»، بوده است. در میان ایرانیان، کلمه اهورا معنی «آسمان آبی» داشته است.

"تاریخ تمدن"، ویل دورانت، جلد اول،

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۶۴۷/پرستی-حیوان>